

ترجمه پنجمین رساله دکتر پانذیت

منظومات مرغوب

مادر

در طبع لطیف، عطف ای زیبا روی فرونی گرفت
در جنگل دور دست شبنم لکه نور آفتاب را در آغوش کشید
سرود های حوریان بگوش جوانی طنین انداخت
آبشار بلند اهریل هدف بزرگ شوریدن گرفت
در سایه های رویا قوس قزح هفت رنگ
از شاخه سنبلیل دل جوانه تازه نمودار گردید

حرکت امید با سوی دامان شوق

گلپاشی بادام زار دل

عقل از گلهای محبت طره خود را تزمین داد

افسوسها امروز از بلال عید انتظار میکشد

❖ ❖ ❖ ❖ ❖ ❖

خضر در سفر ظلمات به کجا رسید

آب حیات برای استقبال روم ریشی به پیشواز رفته

آفرین بر سینه گرم صدف

دانه در جانانه ابر بهمن

دل مادر چهره پاکیزه رود گشنگ

هر پاکیزه مادر حوض کوثر

امروز بعد از تأسف بسیار این دل حسرت زده به کنه رسیده

غیرت مرا و ادا میکند تا داخل جنت نشوی

اگر آنجا با حوض کوثر بر خور و نکنی

سه اسم بزرگی است که زندگی جاویدان دارد و گویا همان خوابه خضر است.

آنوقت

چون آفتاب بهار تو می‌درخشد
 چون گل‌های نیم‌شگفته سطرهای تو می‌شکند
 چون کوه‌های قافِ مرزها، فرو میریزد
 چون پروانه با طواف دور آفتاب را، می‌آموزد
 چون نور آفتاب شب‌بنم کرامتی تو، مینماید
 چون این سنبلیله زارگیتی از گرد کدورت، پاک میشود
 چون این گل‌های لطیف محافظت خود را، می‌آموزند
 چون باغبانانِ عاقل از رعونت خودشان، فارغ میشوند!

اے کاش! اگر آنوقت من هم زنده میبودم
 دردی را که در سر انگشت‌های خار ویده دارم
 درمان میکردم



فلام محمد

مرغوب

۱۹۳۷ میلادی

دانشیار بخش فارسی دانشگاه شیراز

اسم:

تخلص:

تاریخ تولد:

پیشه: